

مشغول خواندن داستان سه ماهی از دفتر چهارم بودم که این بیت نظرم را خیلی جلب کرد...

لیک زآن نندیشم و بر خود زخم  
خویشتن را این زمان مرده کنم  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۲۸۸، از برنامه ۹۱۵

این بیت یک پیام مهم دارد که راه حل فقط مردن به من ذهنی ست. آقای شهبازی میگوید هر جا فرصت پیدا کردید من ذهنی تان را به عمد کوچک کنید.

نکته مهمی که حضرت مولانا به اون میپردازد اینه که به گذشته حسرت نخورید. ماندن در گذشته یعنی رفتن به سمت آینده و لحظه حال را از دست دادن. مردن به من ذهنی و تبدیل شدن فقط در لحظه حال امکان پذیره. کار جالبی که ماهی نیم عاقل در اون داستان انجام میده اینه که به گذشته حسرت نخوردن را به خوبی در عمل استفاده میکنه، به همین خاطر میگوید درسته که همراه ماهی عاقل نرفتم و وقت را از دست دادم ولی به جای غصه خوردن به گذشته خودم را به مردن میزنم و من ذهنی ام را آنچنان صفر می کنم که صیاد جهان دیگه نتواند شکارم کنه و دست از سرم برداره.

لیک زآن نندیشم و بر خود زخم  
خویشتن را این زمان مرده کنم  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۲۶۸، از برنامه ۹۱۵

ماهی نیم عاقل راز نجات خودش را در مردن به من ذهنی اش پیدا کرده بود. برای همین هم مولانا ماهی نیم عاقل را ماهی بهتر خطاب میکنه، زمانی که صیادان ماهی نیم عاقل را صید می کنند و غصه می خوردند، که حیف ماهی بهتر بمرد. ماهی نیم عاقل جهان فرم را تجربه کرده و آنها را همراه با راه کارهای داده شده توسط مولانا به خوبی در عمل بکار میگیره.

در ضمن تسلیم و سپردن خود به قضا و کن فکان را هم کاملا درک کرده و با زندگی به بهترین شکل همکاری میکنه. خودش را آنچنان به آب دریا میسپاره که اجازه میده آب زندگی اون را هر طور که می خواهد با چالش ها بالا و پایین بیره و هدایتش کنه.

غیر مردن هیچ فرهنگی دگر  
در نگیرد با خدای، ای حیلہ گر  
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۳۸۳۸

پس ما هم در هر چالشی که قضا و کن فکان زندگی سر راهمان میگذاره فقط بر خود بزنییم، من ذهنی مان را صفر کنیم. تسلیم باشیم و باور داشته باشیم، خدایی که تمام کائنات را قادره اداره کنه، ما را هم میتوانه اداره کنه. پروردگارا ما را در این راه خودت یاری کن.

لیک زآن نندیشم و بر خود زخم  
خویشتن را این زمان مرده کنم  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۲۶۸

-با تشکر فریده از هلند 🌹